[239] را اخراج كنند، با آنكه آنان جنگ را آغاز نمودند، آيا از آنان هراس دارد در حاليكه خدا سزاوار است كه از أو بهراسيد، اگر مؤمنيد. آگاه باشيد می بينم كه به تن آسائی جاودانه دل داده، وكسی را كه سزاوار زمامداری بود را دور ساخته ايد، با راحت طلبی خلوت كرده، واز تنگنای زندگی به فراخنای آن رسيده ايد، در اثر آن آنچه را حفظ كرده بوديد را از دهان بيرون ريختيد، وآنچه را فرو برده بوديد را بازگرداندند، پس بدانيد اگر شما وهركه در زمين است كافر شويد، خدای بزرگ از همگان بی نياز و ستوده است. آگاه باشيد آنچه گفتم با شناخت كاملم بود، به سستی پديد آمده در اخلاق شما، وبی وفائی ونيرنگ ايجاد شده در قلوب شما، وليكن اينها جوشش دل اندوهگين، وبيرون ريختن خشم وغضب است، وآنچه قابل تحملم نيست، وجوشش سينه ام وبيان دليل وبرهان، پس خلافت را بگيريد، ولی بدانيد كه پشت اين شتر خلافت زخم است، وپای آن سوراخ وتاول دار، عار وننگش باقی ونشان از غضب خدا وننگ ابدی دارد، وبه آتش شعله ور خدا كه بر قلبها احاطه می يابد متصل است. آنچه می كنيد در برابر چشم بينای خداوند قرار داشته، وآنانكه ستم كردند بزودی می دانند كه به كدام بازگشتگاهی باز خواهند گشت، ومن دختر كسی هستم كه شما را از عذاب دردناك الهی كه در پيش داريد خبرداد، پس هرچه خواهيد بكنيد وما هم كار خود را می كنيم، وشما منتظر بمانيد وما هم در انتظار بسر می بريم. آنگاه أبو بكر پاسخ داد:

_____